

## رابرت وانوی ، خروج به سوی تبعید، درس ۵ب

لاویان و اعداد

خیمه برپا می‌شود - خروج ۴۰. ۶.

قبل از اینکه ادامه دهیم، یک نکته‌ی مهم را در اسلاید ۳۲ از قلم انداختم، آن جمله: «گونه‌شناسی تلاشی است برای درک وحدت کتاب مقدس از دیدگاه تاریخ، نه از دیدگاه تمثیل.» نموداری را که در مورد خط تکامل تاریخ رستگاری داشتیم، به خاطر بیاورید، و همان حقیقت که در نقاط مختلف در امتداد آن خط ظاهر می‌شود و تاریخ را به هم پیوند می‌دهد.

عنوان بعدی ۶ است، «خیمه برپا شده است - خروج ۴۰.» به یاد داشته باشید که ما در ابتدای بحث خود در مورد ساختار اساسی کتاب به عنوان رهایی یا خروج، کوه سینا و سپس خیمه - سه حرکت در کتاب خروج - صحبت کردیم. در فصل ۴۰ است که به اوج می‌رسیم. در فصل ۴۰ آیه ۱۷ می‌خوانید: پس آن خیمه در روز اول ماه اول سال دوم برپا شد «سپس در آیه ۲۰،» او شهادت را گرفت و آن را «در تابوت گذاشت.» شهادت، ده فرمان، آن لوح‌های سنگی است. سپس تابوت را به خیمه آورد و پرده محافظ را آویزان کرد و تابوت شهادت را همانطور که خداوند به او فرمان داده بود، پوشاند «و در آیه می‌خوانید:» آنگاه ابر، خیمه اجتماع را پوشاند و جلال خداوند، مسکن را پر کرد. موسی نتوانست ۳۴ «وارد خیمه اجتماع شود، زیرا ابر بر آن قرار گرفت و جلال خداوند، مسکن را پر کرد»

وقتی به دستورالعمل‌های ساخت خیمه نگاه می‌کنیم، در صفحات ۳۱ و ۳۲ نقل قول‌ها، نقل قولی از جی.ای. موتیر وجود دارد. او می‌گوید: «این اوج است.» به یاد داشته باشید که او می‌گوید: «خدا آمد تا در خیمه ساکن شود. خدا در میان قوم خود ساکن می‌شد. این اوج پیشرفت رستگاری در کتاب خروج است.»

با این توضیحات، به سراغ شماره ۷ در طرح کلی شما، «کتاب لاویان» کتاب لاویان الف. نام ۷. می‌رویم. ما قرار نیست زمان زیادی را صرف لاویان کنیم، بیشتر به این دلیل که مطالب حقوقی است. به دو نکته فرعی زیر ۷ توجه کنید: الف «نام «است، ب» توضیحات کلی در مورد محتوا.» (در مورد نام، به یاد داشته باشید که گفتیم در سنت یهود، نام از اولین کلمات سطر اول کتاب گرفته شده است. اتفاقاً در «لاویان ۱:۱» و یقره «است،» و او خواند «بنابراین در سنت یهودی، عنوان» و او فراخواند است. عنوانی که ما با آن آشنا هستیم، لاویان، از لاتین ولگاته آمده است. می‌توانید شکل لاتین (*weyiqra*) آن را در کلمه «لاویان» ببینید. در واقع به معنای «کتاب لاویان» است، کتابی که مربوط به کار لاویان، به ویژه کاهنان، و وظایف آنها است. من فکر می‌کنم بهتر است عنوان ولگاته را داشته باشیم که چیزی در مورد محتوای کتاب می‌گوید تا عنوانی که در سنت یهودی وجود دارد، زیرا لاویان بنابراین تأکید کتاب بر

آیین، وظایف کاهنان، وظایف لایوان، انواع قربانی‌ها، اعیاد و غیره را منعکس می‌کند.

ب. نظرات کلی در مورد محتوا

نکته ب، «نظرات کلی در مورد محتوا». «این کتاب عمدتاً شامل قوانین آیینی است. چارچوب تاریخی آن هنوز اسرائیل در کوه سینا است. متوجه می‌شوید که چگونه آیه اول با «خداوند موسی را از خیمه اجتماع فراخواند» آغاز می‌شود. بنابراین در سینا، اسرائیل برای هدفی که خداوند آنها را به عنوان یک ملت ساخته بود، مجهز می‌شود. این هدف در خروج ۶: ۱۹ آمده است، جایی که خداوند فرمود: «شما برای من پادشاهی کاهنان، یک ملت مقدس خواهید بود.» اسرائیل باید از سایر ملت‌ها جدا شود. سپس اسرائیل باید یک وظیفه کاهنی را در میان ملت‌ها انجام دهد - یک عملکرد واسطه‌گری. خداوند قبلاً تعدادی از بخش‌های قانونی از مطالب حقوقی را به اسرائیل داده بود. شما ابتدا قانون اساسی، ده فرمان، و سپس کتاب عهد، خروج ۲۰ تا ۲۳ را دارید. سپس او به کوهی که ۴۰ روز در آن بود، بازگشت. سپس تمام آن مقررات مربوط به ساخت خیمه، خروج ۲۷ تا ۳۱ و ۳۶ تا ۴۰ را دارید. در پایان خروج، خیمه برپا می‌شود و اکنون در لایوان، دستورالعمل‌های اضافی و مفصلی وجود دارد که شرح می‌دهد چگونه یک قوم گناهکار می‌توانند به خدای مقدس نزدیک شوند و از پذیرش او مطمئن شوند. به نظر من، این محور اصلی کتاب است: چگونه یک قوم گناهکار می‌توانند به خدای مقدس نزدیک شوند و از پذیرش او مطمئن شوند.

آیه کلیدی لایوان، فصل ۱۷ آیه ۱۱ است که آیه کلیدی: لایوان ۱۱: ۱۷ - کفاره جایگزین (۱) می‌گوید: «زیرا جان هر موجود زنده در خون است. من این را به شما می‌دهم تا بر روی قربانگاه برای خودتان کفاره کنید. این خون است که برای جان انسان کفاره می‌کند.» بنابراین ایده اساسی کتاب، کفاره جایگزین است که از طریق قربانی خون ارائه می‌شود. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم کتاب این است که وظایف کاهنان را تنظیم می‌کند. کاهنان واسطه‌های ضروری بین خداوند و قوم او هستند. شخصیت این کتاب در لایوان ۲۶: ۲۰ زنده می‌شود، جایی که می‌خوانید: «شما باید برای من مقدس باشید، زیرا من خداوند مقدس هستم. و شما را از ملت‌ها جدا کرده‌ام تا قوم من باشید.» بنابراین این کتابی درباره تقدس خداوند است. خداوند مقدس است و می‌خواهد قومش مقدس باشند؛ قوم او باید از سایر مردم جدا شوند.

می‌توانیم به انواع قوانین نگاه کنیم. من به طور خلاصه به ۵ دسته مختلف از مطالب انواع قوانین (۲) اشاره می‌کنم. اول، شرایطی وجود دارد که گناهکار می‌تواند و باید قربانی بیاورد. دوم، انواع قربانی‌هایی که باید بیاورد و دستورالعمل‌هایی در مورد نحوه تقدیم آنها وجود دارد. سوم، صلاحیت‌ها و وظایف

کاهنان شرح داده شده است. و چهارم، قوانین مفصلی در مورد عفت جنسی ارائه شده است. این تعلیم باید در پس‌زمینه اعمال کنعانی در حوزه تمایلات جنسی قرار گیرد. این را به ویژه در لاویان، فصل ۱۸ و فصل ۲۰، می‌بینید، جایی که توضیحات مفصلی از چیزهایی که برای بنی‌اسرائیل ممنوع است و گفته می‌شود که نزد خداوند مکروه است، آمده است. مانند کنعانیان عمل نکنید. سپس پنجم، قوانین مربوط به طهارت و نجاست. مانند عدم تماس با اجساد، جذام، حیوانات و غیره.

بنابراین، این نوع چیزهایی است که در کتاب لاویان به صورت قانونی آمده است. این کتاب برای بنی‌اسرائیل باستان اهمیت بسیار زیادی دارد، زیرا به مسائلی می‌پردازد که بنی‌اسرائیل هر روز از زندگی خود با آنها روبرو بودند. به عبارت دیگر، اگر آنها به کارهای روزمره خود مشغول بودند، با انواع مسائلی روبرو می‌شدند که در این قوانین به آنها پرداخته شده است. اکنون، فکر می‌کنم برای ما، این کتاب اهمیت کاملاً متفاوتی پیدا می‌کند، زیرا ما تحت اقتصاد عهد عتیق زندگی نمی‌کنیم. این قوانین آیینی دوباره از اهمیت نمادین برخوردارند و به مسیح اشاره می‌کنند و در مسیح تکمیل و تحقق می‌یابند. کتاب عبری می‌گوید: «قربانی گاوها و بزها در نهایت نمی‌توانست گناه را از بین ببرد.» تنها با قربانی مسیح بود که این امر با آمدن مسیح محقق می‌شد. او قربانی نهایی بود. همه آنچه در این آیین‌های عهد عتیق که در مسیح تحقق یافتند، از پیش ترسیم و پیش‌بینی شده بود. بنابراین، این مقررات دیگر به صورت روزمره در عهد جدید الزام‌آور نیستند. بنابراین، فکر می‌کنم برای ما، معنا شکل کاملاً متفاوتی نسبت به آنچه برای بنی‌اسرائیل باستان داشت، به خود می‌گیرد. فکر می‌کنم اول از همه، شما در این قوانین، زمینه‌ای برای درک ارجاعات به قربانی، مراسم تطهیر، نهادهایی مانند سال سبت، سال یوبیل، در بقیه کتاب مقدس می‌بینید؛ برخی از آنها در عهد عتیق، برخی دیگر در عهد جدید. بنابراین اگر می‌خواهید این نوع ارجاعات را بفهمید، متوجه می‌شوید که توضیحات چنین چیزهایی در کتاب لاویان آمده است.

دوم اینکه، شما مسیح را به شکلی نمونه‌وار در عهد عتیق می‌بینید. همه این آیین‌ها به مسیح اشاره دارند. این کتاب، کتاب کفاره، تقدیس و تقدیس است و اهمیت دارد.

سوم، از دیدگاه تاریخ عمومی ادیان، که در آن می‌توانید پرستش قوم اسرائیل را با پرستش دیگر مردمان باستان مقایسه کنید، مورد توجه است. این بیشتر یک موضوع تاریخی است تا کلامی. قوم اسرائیل چگونه عبادت می‌کردند؟ کنعانیان چگونه عبادت می‌کردند؟ این نگاه از دیدگاه تاریخ دین است. لاویان اطلاعات زیادی در مورد نحوه پرستش قوم اسرائیل در دوره عهد عتیق ارائه می‌دهد.

در نهایت، تا جایی که به یهودیان ارتدوکس مربوط می‌شود، معنایی تا حدودی شبیه به آنچه در عهد عتیق وجود داشت، چه مربوط به قربانی‌های روزانه معبد باشد، بخش عمده آن مربوط به قوانین غذایی و روز سبت است. یکی از مفسران خاطر نشان کرد، وقتی از آنها پرسیده شد که کدام کتاب در اسفار پنجگانه را بیشتر برای مطالعه دوست دارند، افراد غیر یهودی احتمالاً پیدایش را انتخاب می‌کنند؛

در حالی که اکثر یهودیان ارتدوکس احتمالاً می‌گویند لاویان، زیرا در لاویان همیشه مطالبی وجود دارد که زندگی آنها را تا به امروز هدایت می‌کند.

قوانین مربوط به قربانی - لاویان ۱-۷. ۸.

تقدیس کاهنان - لاویان ۸-۹. ۹.

به غیر از این توضیحات کلی، به طرح کلی شماره ۸ خود، شورش ناداب و ابیهو - لاویان ۱۰. ۱۰. قوانین مربوط به قربانی - لاویان ۱-۷ «توجه کنید. من به آن مطالب نگاه نمی‌کنم، اما در آنجا اطلاعات بیشتری در مورد قربانی به دست می‌آورد. شماره ۹، «تقدیس کاهنان - لاویان ۸-۹. «من هم در مورد آن نظر نمی‌دهم. اما در مورد ۱۰، «شورش ناداب و ابیهو - لاویان ۱۰»، می‌خواهم چند نکته بگویم. لاویان تاریخی است. این شورش ناداب و ابیهو و نحوه برخورد خداوند با آن است. این یکی از معدود ۱۰ بخش‌های روایی کتاب است. و در آیه اول می‌خوانید: «پسران هارون، ناداب و ابیهو، مجرم‌های خود را برداشتند، آتش در آنها گذاشتند و بخور دادند. و برخلاف فرمان خداوند، آتش غیرمجازی در حضور او تقدیم کردند. پس آتش از حضور خداوند بیرون آمد و آنها را سوزاند و آنها در حضور خداوند مردند. سپس موسی به هارون گفت: «این همان چیزی است که خداوند درباره آن گفت وقتی گفت:» در میان کسانی که به من نزدیک می‌شوند، خود را مقدس نشان خواهم داد، در نظر همه مردم محترم خواهم بود.» هارون ساکت ماند. موسی میثائیل و الصافان، پسران عزرائیل، عموی هارون، را احضار کرد و به آنها گفت: «بیا بیاید اینجا؛ پسر عموهای خود را از جلوی محراب به بیرون اردوگاه ببرید.» پس آنها آمدند و آنها را، هنوز با لباس هایشان، همانطور که موسی دستور داده بود، به بیرون اردوگاه بردند. سپس موسی به هارون و پسرانش العازار و ایتمار گفت: «موهایتان ژولیده نشود و لباس هایتان را پاره نکنید، وگرنه خواهید مرد و خداوند بر تمام قوم خشمگین خواهد شد.» «در آیه ۸ آمده است: «آنگاه خداوند به هارون گفت:» تو و پسرانت وقتی به خیمه اجتماع می‌روید، شراب یا نوشیدنی تخمیر شده دیگری ننوشید، وگرنه خواهید مرد. این یک فریضه ابدی برای نسل‌های آینده است.»

بنابراین، داستان ناداب و ابیهو که آنچه را که در اینجا به عنوان آتش غیرمجاز در برابر خداوند توصیف شده است، تقدیم کردند، در اینجا آمده است. اینکه دقیقاً منظور از آن چیست، بیشتر توضیح داده نشده است. دشوار است که دقیقاً بدانیم این تخلف چه بوده است. برخی معتقدند زغال‌هایی که در مجرم‌های آنها قرار داده شده بود، از قربانگاه قربانی سوختنی گرفته نشده بود. اگر به آیات پایانی فصل ۹ بروید، در رابطه با تقدیس کاهنان توسط موسی و هارون، در آیه ۲۴، می‌خوانید: «خداوند بر همه قوم ظاهر شد. آتش از حضور خداوند بیرون آمد و قربانی سوختنی و چربی قربانگاه را سوزاند.» به عبارت دیگر، آن قربانگاه، در پایان فصل قبل، توسط آتش الهی، به اصطلاح، که از جانب خداوند آمده بود، روشن شده

بود. آیا ناداب و ابیهو منبع دیگری از زغال سنگ به جای قربانگاه قربانی سوختنی برداشتند؟ اگر به لاویان ۱۶، جایی که بحث روز کفاره است، مراجعه کنید و به آیه ۱۲ نگاه کنید، در آنجا آمده است: «هارون باید زغال‌های سوزان قربانگاه را از حضور خداوند و دو مشت بخور آسیاب شده بردارد.» بنابراین ممکن است منبع آتش بوده باشد.

برخی دیگر فکر می‌کنند که این موضوع به بخور مربوط می‌شود. در این آیه آمده است که آنها بخور اضافه کردند و سپس به خروج 30: 34-38، دستور العمل ساخت بخور، برمی‌گردیم. بنابراین شاید آنها دستور العمل‌های مربوط به آن را رعایت نکرده باشند. اما هر چه که بوده، نوعی بی‌دقتی یا نقض عمدی مقررات تعیین‌شده وجود داشته است و به همین دلیل ناداب و ابیهو در آتش سوختند.

برخی نیز معتقدند که ممکن است مستی در میان بوده باشد، به دلیل آن جمله در آیات ۸ و ۹: «تو و پسرانت وقتی به خیمه اجتماع داخل می‌شوید، شراب یا نوشیدنی تخمیر شده دیگری ننوشید، وگرنه خواهید مرد.» آیا ناداب و ابیهو مست بودند؟ آیا مسئله مستی بود؟ اما هر چه که بود، مجازات سنگینی داشت.

این ممکن است در حال الگو قرار دادن ناداب و ابیهو در آغاز آیین رعایت اسرائیل باشد. آن آغاز مهم است تا عبادت بر پایه‌ای مناسب بنا شود و نمونه‌ای باشد تا از مقررات پیروی شود. من فکر می‌کنم در اینجا شباهتی بین آنچه برای ناداب و ابیهو اتفاق می‌افتد با آنچه برای حناتیا و سفیرا در اعمال رسولان فصل ۵ اتفاق می‌افتد، وجود دارد. آنها قربانی‌ای را که آورده بودند، به اشتباه ارائه دادند و مضروب و اعدام شدند. مطمئناً افراد دیگری نیز پس از آنها کارهایی به بدی یا بدتر از حناتیا و سفیرا یا ناداب و ابیهو انجام دادند، اما آنها مانند این افراد با جان خود تاوان آن را ندادند. اما خداوند دوباره به روشنی و با قاطعیت بر اهمیت پیروی از مقررات تأکید می‌کند. اسرائیل موجودیت خود را به عنوان قوم عهد خدا آغاز می‌کند. بنابراین این چند نظر در مورد ۱۰، «شورش ناداب و ابیهو» است.

سایر قوانین - لاویان ۱۱-۲۷. ۱۱.

شماره ۱۱ تقریباً یک عبارت کلی است، «سایر قوانین - لاویان ۱۱-۲۷.» «اگر به اعیاد، از جمله روز کفاره در لاویان ۱۶، و تمام آن مطالب قانونی توجه کنید، قطعاً فصل ۱۶ یک فصل مهم است، جایی که سالانه این روز کفاره را برگزار می‌کنید. و در آن روز، کاهن اعظم برای خود و خانواده‌اش و برای کل جامعه اسرائیل کفاره می‌کرد. و این روز مهمی در تقویم سالانه بود.

علاوه بر فصل ۱۶، می‌توانید فصل ۲۳ را نیز به آن اضافه کنید، زیرا در فصل ۲۳، به سه عید بزرگ سالانه که باید برگزار می‌شدند اشاره شده است. متوجه می‌شوید که در لاویان ۲۳: ۴-۸، بحثی در مورد عید فصیح و نان فطیر وجود دارد. آیه ۶: «در پانزدهمین روز ماه، عید فطیر خداوند آغاز

می‌شود «آیه ۷، روز اول یک گردهمایی رسمی بود و آیه ۵، عید فصیح خداوند در گرگ و میش روز چهاردهم ماه آغاز می‌شود و پانزدهمین روز ماه، عید فطیر است. بنابراین عید فصیح و عید نان فطیر در آیات ۴ تا ۸ آمده است.

سپس در لاویان ۱۵: ۲۲-۲۳ عید هفته‌ها است. در عهد جدید از آن به عنوان پنطیکاست یاد می‌شود. بنابراین، «از روز بعد از سبت، روزی که بافه هدیه موجی را آوردید، هفت هفته کامل بشمارید. پنجاه روز [از این رو عنوان «پنطیکاست» یا «یا ۵۰ را می‌گیرید] تا روز بعد از سبت هفتم بشمارید» و شرح آن عید هفته‌ها. سپس در لاویان ۲۳: ۳۳-۴۳ عید خیمه‌ها است. این عید درست بعد از روز کفاره می‌آید. بنابراین آن سه عید، فصیح، عید هفته‌ها و عید خیمه‌ها، اعیاد سالانه‌ای بودند که در زندگی اسرائیل بسیار مهم شدند.

آمادگی برای ترک سینا - شماره ۱: ۱-۱۰: ۱۰ الف. کتاب اعداد ۱۲.

نام (۱)

به معنای a این ما را به ۱۲ می‌رساند، «آمادگی برای ترک سینا - اعداد ۱: ۱-۱۰: ۱۰». «حرف «کتاب اعداد» است. و دوباره، زیر آن دو نکته فرعی وجود دارد، «۱» (نام «و ۲») (محتوا)

است که به معنی *bemidbar* اول، تا جایی که به نام مربوط می‌شود، در سنت عبری، نام در بیابان «است. این نام از آیه اول گرفته شده است»: خداوند در صحرای سینا با موسی سخن گفت «». است. در این مورد، این کلمه پنجم در متن عبری است. نام انگلیسی *bemidbar*، در صحرا از ترجمه هفتادگانی، *آریتومی یونانی*، آمده و سپس به سنت انگلیسی ما منتقل شده «Numbers» است. ترجمه *آریتومی* «اعداد» است. حال، در این مورد، فکر می‌کنم جای تأسف است که عنوان کتاب از سنت عبری «در بیابان» نیست، زیرا «در بیابان» بیشتر از عنوان «اعداد» (درباره محتوای کتاب توضیح می‌دهد. وقتی عنوان «اعداد» را می‌خوانید، و سپس فصل اول را شروع می‌کنید، و همه این سرشماری‌ها را تا فصل چهارم دارید. سپس در فصل ۲۶، در پایان کتاب، فصل دیگری درباره سرشماری دارید. اما این فقط پنج فصل است. تا جایی که به درصد کتاب مربوط می‌شود، ۹۰ درصد کتاب هیچ ارتباطی با اعداد یا سرشماری ندارد. بنابراین فکر می‌کنم عنوان «در بیابان» احتمالاً به مردم کمک می‌کند و آنها را تشویق می‌کند که کتاب را بخوانند، خیلی بیشتر از عنوانی که با آن آشنا هستیم.

محتوای اعداد (۲)

در مورد محتوا، فکر می‌کنم راه درک محتوا، نگاه کردن به ساختار گاهشماری کتاب الف (گاهشماری است. این کتاب یک دوره ۳۸ ساله را پوشش می‌دهد. اسرائیل دو سال در سینا و سپس ۳۸ سال در بیابان

بود. این را از مقایسه اعداد ۱:۱ با تثنیه ۱:۳ متوجه می‌شویم. به اعداد ۱:۱ نگاه کنید، جایی که می‌گوید: خداوند در روز اول ماه دوم از سال دوم پس از خروج بنی‌اسرائیل از مصر، در خیمه اجتماع در صحرای سینا با موسی سخن گفت «روز اول، ماه دوم، سال دوم. و اگر به تثنیه ۱:۳ نگاه کنید، می‌خوانید:» در چهلمین سال، در روز اول ماه یازدهم، موسی هر آنچه خداوند به او فرمان داده بود، به بنی‌اسرائیل اعلام کرد «بنابراین، کتاب اعداد یک دوره ۳۸ ساله است

بنی‌اسرائیل حدود ۲ سال در کوه سینا اردو زدند. این را از خروج ۱۹:۱ می‌گیرید که می‌گوید: در ماه سوم پس از خروج اسرائیل از مصر، به سینا رسیدند «سپس اعداد ۱۰:۱۱» در بیستمین روز از ماه دوم سال دوم، ابر از بالای خیمه شهادت بلند شد «و آنجا جایی است که اسرائیل کوه سینا را ترک می‌کند. بنابراین آنها از ماه سوم پس از خروج تا بیستمین روز از ماه دوم، یعنی سال دوم پس از خروج، در سینا بودند. بنابراین می‌بینید که اعداد ۱:۱ تا ۱۰:۱۰ یک دوره ۱۹ روزه را پوشش می‌دهند. به عبارت دیگر، اعداد ۱:۱، اگر به متن قبلی در ۱:۱ برگردید، روز اول ماه دوم سال دوم است؛ اعداد بیستمین روز از ماه دوم سال دوم. اعداد ۱:۱ تا ۱۰:۱۱ مربوط به آخرین ۱۹ روزی است که ۱۰:۱۱ اسرائیل در کوه سینا اقامت داشت. این اساساً ده فصل اول، سرشماری، و بخشی از آن مربوط به سازماندهی آنها برای ترک سینا است.

آنها سینا را ترک می‌کنند، رویداد مهم بعدی در اعداد ۱۳:۱۴ شرح داده شده است، جایی که آنها به قادش برنیع می‌رسند، که می‌توان گفت ورودی بسیار جنوبی به سرزمین کنعان است. در آنجا آنها از قادش برنیع جاسوسانی را به سرزمین کنعان می‌فرستند. جاسوسان برمی‌گردند و اکثر آنها، به جز کالب و یوشع، می‌گویند «ما نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم. این افراد برای ما بسیار قدرتمند هستند.» و خداوند از آنها عصبانی بود و بنابراین گفت: «این نسلی که ایمان ندارد و به من اعتماد ندارد تا شما را به سرزمین کنعان بیاورم، در بیابان خواهد مرد.» نسل زیر ۲۰ سال، بزرگ می‌شوند و در نهایت آنها کسانی خواهند بود که وارد سرزمین کنعان می‌شوند.

بنابراین اعداد ۱۳ و ۱۴ رویدادهای مهم بعدی هستند، تا اینکه به اعداد ۱۵ تا ۲۰ می‌رسیم، که سال سرگردانی است. به عبارت دیگر، تنها شش فصل از آن درباره آن دوره ۳۸ ساله صحبت ۳۸ می‌کند. این یک توصیف نسبتاً فشرده از آن دوره طولانی است. از کجا می‌دانیم که فصل ۲۰ پایان آن دوره سرگردانی است؟ زیرا به نظر می‌رسد که اعداد ۲۰:۱ تا ۳۶:۱۳ آخرین سال قبل از چهلمین سال پس از خروج است. اساس این چیست؟ به اعداد ۲۰:۱ نگاه کنید. ما می‌خوانیم: «در ماه اول، تمام جامعه بنی‌اسرائیل به بیابان زین رسیدند و در قادش ماندند. در آنجا مریم درگذشت و دفن شد.» حال، مشکل اعداد ۲۰:۱ این است که می‌گوید «در ماه اول»، اما نمی‌گوید چه سالی. ما به زودی به آن باز خواهیم گشت. در ماه اول، آنها به بیابان زین رسیدند و در قادش ماندند، مریم درگذشت و دفن شد. اگر در فصل

به پایین بروید، در آیه 22 و بعد از آن در مورد مرگ هارون می‌خوانید. می‌بینید، آنها رسیدند، آنها 20 در قادش ماندند، آیه 22 می‌گوید: «تمام جامعه بنی‌اسرائیل از قادش حرکت کردند و به کوه هور آمدند. در کوه هور، نزدیک مرز ادوم، خداوند به موسی و هارون می‌گوید: هارون به قوم خود ملحق خواهد شد و وارد سرزمینی که به بنی‌اسرائیل می‌دهم نخواهد شد، زیرا هر دوی شما در کنار آب‌های مریبا از دستور من سرپیچی کردید.» در آیه 28 می‌خوانید: «هارون در آنجا، در بالای کوه، درگذشت

سپس موسی و العازار از کوه پایین آمدند و وقتی تمام قوم فهمیدند که هارون مرده است، تمام خاندان اسرائیل سی روز برای او سوگواری کردند. بنابراین اگر از اعداد ۲۰: ۱-۲۹ که هارون در آن می‌میرد، به اعداد ۳۳: ۳۶ و بعد از آن بروید، اعداد ۳۳ فصلی است که فهرستی از تمام مکان‌هایی است که اسرائیل هنگام سرگردانی در بیابان در آنجا توقف کردند. و وقتی به آیه ۳۶ در آن فهرست می‌رسید، می‌خوانید: «آنها عصیون جابر را ترک کردند و در قادش در بیابان زین اردو زدند.» حالا اعداد ۳۳: ۳۶ را با ۲۰: ۱ مقایسه کنید. در ماه اول، تمام جامعه اسرائیل به بیابان زین رسیدند. آنها در قادش ماندند. می‌بینید، آنجا بیابان زین و قادش است. و سپس در آیه ۳۷ می‌خوانید که «آنها قادش را ترک کردند و به کوه هور آمدند.» این همان ۲۰: ۲۲ است، «تمام جامعه اسرائیل از قادش حرکت کردند و به کوه هور آمدند.» و در کوه هور است که هارون درگذشت. بنابراین در فصل ۳۳ آیه ۳۷ می‌خوانید: «آنها قادش را ترک کردند و به کوه هور، در مرز ادوم، رسیدند»

به فرمان خداوند، هارون کاهن به کوه هور رفت و در آنجا درگذشت.» و سپس تاریخی را ذکر کرد: «در روز اول ماه پنجم چهلمین سال، پس از خروج بنی‌اسرائیل از مصر.» بنابراین این نشان می‌دهد که فصل ۲۰ در چهلمین سال آغاز می‌شود. می‌بینید، به فصل ۲۰، آیه ۱ برمی‌گردید: «در ماه اول، آنها به بیابان زین می‌آیند.» ماه اول چه سالی؟ آیا آن چهلمین سال بود؟ چون آنجا جایی بود که مریم و هارون مردند. بنابراین واضح به نظر می‌رسد که از ۲۰: ۱ تا ۳۶: ۱۳ مطالبی مربوط به سال گذشته دارید؛ چهلمین سال. بنابراین فکر می‌کنم اگر این ترتیب زمانی را دنبال کنید، به شما کمک می‌کند و ساختاری برای کتاب به شما می‌دهد. فصل‌های ۱۵ تا ۲۰ در واقع بخش عمده‌ای از آن دوره ۳۸ ساله است. فصل اول اسرائیل در سینا است. و ۱۳ تا ۱۴ آنها در قادش هستند؛ و ۱۵ تا ۲۰ سرگردانی در بیابان به مدت ۳۸ سال است، و پس از آن، تمرکز بر سال چهلم است، زمانی که آنها خود را برای ورود به سرزمین موعود آماده می‌کنند.

ب. مردان جنگی شمارگذاری می‌شوند و موقعیت‌هایشان تعیین می‌شود - اعداد ۱: ۱ تا ۲: ۲۴

بیباید به بخش ب برویم، «مردان جنگی شمارگذاری و در جایگاه‌هایشان قرار گرفته‌اند - ۱: ۱ تا خداوند به موسی گفت که فهرستی تهیه کند، و این شامل شمارش تمام مردان ۲۰ سال به بالا بود.» (۲: ۲۴)

که می‌توانستند بیرون بروند و بجنگند. شما این را در اعداد ۲: ۱ و ۳ می‌خوانید، جایی که خداوند می‌گوید: تمام جامعه اسرائیل را بر اساس قبیله و خانواده‌هایشان سرشماری کنید و نام هر مرد را یک به یک بنویسید. تو و هارون باید تمام مردان بیست سال به بالا در اسرائیل را که می‌توانند در ارتش خدمت کنند، بر اساس گروه‌هایشان بشمارید.» بقیه فصل ۱ شرح می‌دهد که در هر یک از قبایل چند مرد جنگی وجود داشته است.

#### ۱) اعداد سرشماری

وقتی به فصل ۱ آیه ۴۶ می‌رسید، به یک جمع کل می‌رسید که در آن تعداد هر قبیله با هم جمع شده و می‌بینید که تعداد کل ۶۰۳،۵۵۰ نفر بوده است. سرشماری مشابهی در انتهای کتاب، در فصل ۲۶، انجام شده است و اگر به آنجا نگاه کنید، در آیه ۵۱، تعداد کل ۶۰۱،۷۳۰ نفر بوده است. بنابراین تقریباً یکسان است اما کمی کمتر. اما در طول آن دوره ۳۸ ساله، یک نسل کامل مردند و نسل دیگری جای آنها را گرفت. ۶۰۰،۰۰۰ عدد گرد شده‌ای از مردان جنگجوی ۲۰ ساله یا بالاتر است.

حال، اگر از این نتیجه بگیرید، اگر ۶۰۰۰۰۰ مرد ۲۰ ساله یا بالاتر وجود داشته باشد، مردانی خواهید داشت که کمتر از ۲۰ سال سن دارند و همچنین زنان. بنابراین کل جمعیت اسرائیل در زمان خروج، احتمالاً آن ۶۰۰۰۰۰ را در سه ضرب خواهید کرد. بنابراین اگر در سه ضرب کنید، در مورد کل جمعیت ۱،۸۰۰،۰۰۰ نفر، تقریباً ۲ میلیون نفر صحبت می‌کنید. معمولاً اعداد گرد شده برای جمعیت اسرائیل ۲ تا ۳ میلیون نفر است. و این تعداد زیاد مردم سوالات زیادی را ایجاد کرده است، و نه تنها توسط افرادی که کتاب مقدس را الهام گرفته و روایتی قابل اعتماد از این تاریخ این زمان نمی‌دانند.

برخی از سوالات از متن خود عهد عتیق در مورد تعداد بنی‌اسرائیل ناشی می‌شود. به عنوان مثال، تثنیه بارها و بارها چیزی در این مورد می‌گوید. به تثنیه فصل ۷، آیه اول نگاه کنید: «هنگامی که خداوند، خدای شما، شما را به سرزمینی که برای تصرف آن وارد می‌شوید، بیاورد و ملت‌های بسیاری را از پیش روی شما بیرون کند: حتیان، جرجاشیان، اموریان، کنعانیان، فرزریان، حویان، بیوسیان» در عبارت بعدی: «هفت ملت بزرگتر و قوی‌تر از شما»! آیا هفت ملت در کنعان بزرگتر و قوی‌تر از بنی‌اسرائیل بودند، زمانی که بنی‌اسرائیل ۲ یا ۳ میلیون نفر بودند؟ این موضوع بارها در تثنیه تکرار شده است. به فصل ۷، آیه ۱۷ بروید: «ممکن است با خود بگویید، این ملت‌ها از ما قوی‌تر هستند. چگونه می‌توانیم آنها را بیرون کنیم؟» «آنها ارتشی ۶۰۰۰۰۰ نفری دارند؟ به تثنیه ۹: ۱ مراجعه کنید: ای اسرائیل، بشنو. اکنون در شرف عبور از اردن هستی تا وارد شوی و ملت‌هایی بزرگتر و قوی‌تر از خود را تصرف کنی، ملت‌هایی با شهرهای بزرگ که دیوارهایشان تا آسمان است. مردم قوی و قدبلند هستند.» تثنیه ۲۳: ۱۱: «آنگاه خداوند تمام این ملت‌ها را از پیش روی تو بیرون خواهد راند و تو ملت‌هایی بزرگتر

و قوی‌تر از خود را تسخیر خواهی کرد «بنابراین عباراتی مانند این خواهید داشت. اگر به خروج برگردید، عبارت جالب دیگری خواهید داشت. در آنجا می‌خوانید: «خداوند درباره کنعانیان، ۲۳:۲۹ حتیان و حویان می‌گوید: اما من آنها را در یک سال بیرون نخواهم راند، زیرا زمین ویران خواهد شد و حیوانات وحشی برای شما بسیار زیاد خواهند شد.» به نظر می‌رسد جمعیت اسرائیل به اندازه کافی بزرگ نخواهد بود که بتواند کشور را اداره کند تا مردم را تحت کنترل داشته باشد. بنابراین خداوند می‌گوید که او آنها را فوراً بیرون نخواهد راند. بنابراین سوالاتی در مورد چگونگی درک این ارقام سرشماری مطرح شده است.

درک اعداد بزرگ در عهد عتیق: ۳ رویکرد الف (اعداد به معنای واقعی کلمه و دقیق هستند) (۲)

در اینجا سه رویکرد اساسی برای تفسیر اعداد بزرگ وجود دارد. اجازه دهید در مورد هر یک از آنها توضیحاتی بدهم و سپس به سوال بزرگتر برگردم. رویکرد اول مربوط به کسانی است که اعداد سرشماری را همانطور که در کتاب مقدس انگلیسی ما ترجمه شده‌اند، بر اساس نحوه ترجمه این اعداد در کتاب مقدس انگلیسی ما می‌پذیرند. این آشکارترین معنای اصطلاحات و کلمات عبری است که در متن اصلی استفاده شده است. اگر به صفحه ۴۱ استنادات خود نگاه کنید، من دو نماینده از این دیدگاه دارم. در پایین صفحه، مکاری در تفسیر کتاب مقدس جدید، "بزرگ اعداد در این سرشماری داشته باشند ایجاد ... شده الف دشواری برای برخی خوانندگان، سازمان بهداشت جهانی پیدا کردن آن سخت به باور که ... بیابان. با این حال چه زمانی ما ملت از اسرائیل بود بنابراین متعدد در طول آن راهپیمایی از طریق ... طول از زمان که بود خرج شده در مصر ... بزرگ خانواده‌ها که بودند مرسوم و در نظر بگیرید ... مبلغ از افزایش است دیده شده به نباشد در همه «غیرمنطقی، ... ظلم و ستم ... آغاز از پیش از این اگر به صفحه ۴۴ بروید، ای‌جی یانگ همین دیدگاه را دارد. او می‌گوید: «سه اعتراضات به اینها ... شماره از مبارزه کردن مردان بود درباره ۶۰۰۰۰۰ فصل‌ها داشته باشند شده ساخته شده. یک، اگر مجموع جمعیت، آن است ادعا کرد، خواهد بود سپس باش درباره ۲ ۱/۲ میلیون، و آن خواهد بود ... هفتاد خانواده‌ها که آمد به مصر به داشته باشند ضرب شده بدین داشته باشند شده غیرممکن برای ... زمان از آنها ظلم.» او می‌گوید به دلیل ثمربخشی عبرانیان، این غیرممکن ترتیب به سرعت در طول ... بیابان از سینا، آن است ادعا کرد، می‌توانست نه داشته باشند پایدار بنابراین عالی الف، نیست. «دو گروه از مردم. اما همانطور که او استدلال می‌کند، این دست معجزه‌آسای خداوند بود که آنها را حفظ کرد ... سفارش از راهپیمایی است گفت به باش او می‌گوید: «غیرممکن است» «اما» اگر، سه « حساب است بنابراین غیرممکن، خیر نویسنده خواهد بود داشته باشند ابداع شده چنین یک غیرممکن طرح. خیلی دشواری درگیر است اما یک نشانه از تاریخی بودن. از آنجایی که بنابراین کمی است گفت

... تاریخی بودن و دقت از ... راهپیمایی، ما هستند در خیر موقعیت به سوال ... جزئیات از درباره بیانیه‌ها ساخته شده است. بنابراین، بسیاری از محققان انجیلی از اعداد به همین شکلی که در نسخه‌های انگلیسی ما ترجمه شده‌اند، حمایت می‌کنند.

ب (اعداد به صورت مصنوعی ساختگی و اغراق‌آمیز هستند

راه دومی هم برای نزدیک شدن به این اعداد وجود دارد. این یک دیدگاه نسبتاً رایج و انتقادی است که در آن می‌توان گفت هیچ ارزشی در اعداد سرشماری وجود ندارد. آنها به صورت مصنوعی ساخته شده‌اند و کاملاً غیرقابل اعتماد هستند. استدلال این است که این مجموع‌ها مربوط به زمان بسیار بعدی هستند، اعداد اغراق‌آمیز هستند و هیچ اهمیتی ندارند. یکی از مفسران می‌گوید: «آنها هیچ ارزش آماری ندارند.» بنابراین برخی آنها را همانطور که هستند می‌پذیرند و برخی می‌گویند هیچ ارزشی ندارند

دسته سوم کسانی هستند که اعداد ترجمه شده در نسخه‌های مدرن ما را نمی‌پذیرند، اما سعی می‌کنند بر اساس درک متفاوتی از معنای متن اصلی، توضیحی برای آنها پیدا کنند. به عبارت دیگر، کسانی که این دیدگاه را دارند می‌گویند چیزی در متن اصلی در حال رخ دادن است که ما آن را به طور کامل درک نمی‌کنیم و نحوه ترجمه آنها در نسخه‌های مدرن ما چیزی غیر از ترجمه صحیح زبان اصلی متن است. اکنون برخی از طرفداران این دیدگاه، محققان انجیلی هستند که اعتبار متن را می‌پذیرند. اگر به تاریخچه تفسیر این اعداد در این دسته اخیر نگاه کنید، مدت‌ها پیش مردی به نام فلیندرز پتری، یکی از باستان‌شناسان اولیه مصر باستان، اشاره کرد که کلمه عبری، *الف*، دو معنی دارد. *الف* می‌تواند به هزاران «ترجمه کرد. شما *الفیم* را در آنجا دارید که جمع آن است، بنابراین *الف* می‌تواند و اغلب به «هزاران» ترجمه می‌شود. اما همچنین می‌تواند به عنوان «گروه قبیله‌ای» یا «قبیله» ترجمه شود، چیزی از این نوع. به داوران ۶:۱۵ نگاه کنید. در داوران ۶:۱۵، این داستان جدعون است. جدعون به خداوند می‌گوید: «چگونه می‌توانم اسرائیل را نجات دهم؟ قبیله من در منسی ضعیف‌ترین است و من در خانواده‌ام کوچکترین هستم.» «وقتی جدعون می‌گوید، «قبیله من در منسی ضعیف‌ترین است، منظور کلمه *الف* است. نوعی زیر واحد قبیله‌ای

اگر به اول سموئیل ۱۰:۱۹ مراجعه کنید، آنجا می‌خوانید: «اما شما اکنون خدای خود را که شما را از تمام مصیبت‌ها و پریشانی‌هایتان نجات داد، رد کرده‌اید. و گفته‌اید: نه، پادشاهی بر ما نصب کنید.» این اجتماع در مصفه است.» پس اکنون خود را با قبایل و طوایف خود در حضور خداوند حاضر کنید.» بنابراین فلیندرز پتری به متونی از این دست. *eleph* طوایف «در آنجا *الفیم* هستند، جمع کلمه» به معنای «هزار» نبود، بلکه معنای دیگری داشت، مانند نوعی زیرگروه *eleph* نگاه کرد، که در آنها

قبیله‌ای

بنابراین کاری که او با اعداد داده شده در اعداد ۱ انجام داد، برای هر یک از قبایل، مثلاً آیه ۳۵، بیا باید فقط یکی را انتخاب کنیم؛ جایی که می‌گوید: «تعداد قبیله منسی ۳۲۲۰۰ نفر بود.» اگر به متن عبری نگاه کنید، ۳۲ *الفیم* و دو *میوت* برای صدها نفر است. بنابراین او می‌گوید *الفیم* به گروه‌های چادر اشاره دارد؛ *میوت‌ها* به تعداد مردان جنگجو در یک قبیله اشاره دارد. به طوری که در مورد منسی، ۳۲ گروه چادر، *الفیم* و ۲۰۰ مرد جنگجو وجود خواهد داشت. بنابراین او نتیجه گرفت که اگر همه آنها را جمع کنید، ۵۹۸ گروه چادر وجود دارد که در آنها ۵۵۵۰ مرد جنگجو وجود دارد. به عبارت دیگر، حدود ۹.۵ مرد جنگجو در هر گروه چادر. اما او اعتراف کرد که واقعاً نمی‌تواند همه اعداد را به این شکل بررسی کند، زیرا این واقعاً آیه ۴۶ را که در آن ۶۰۳۵۵۰ است، توضیح نمی‌دهد. این با آن عدد کار نمی‌کند. و همچنین به عنوان مثال، در اعداد ۳:۲۲، که در آن تعداد همه مردان یک ماهه یا بیشتر شمارش شده ۷ *الفیم* ۷ گروه چادری است که در آن ۵۰۰ نفر بودند. به عبارت دیگر، این نسبت نامتناسب به نظر می‌رسد؛ ۷ گروه چادری - ۵۰۰ مرد. بنابراین، این پیشنهادی بود که واقعاً خیلی مورد توجه قرار نگرفته است.

آلوف = رؤسا، کاپیتان‌ها → د (الف)

رد کلارک ایده دیگری مطرح کرد. او همان ریشه را گرفت، *الف* به صورت *لامر به او* تبدیل شد، اما آن را به شکل متفاوتی نشان داد، و به جای *الف*، آن را با اضافه کردن حروف صدادار که آن را به صورت *آلوف* به معنی «رئیس» یا «کاپیتان» در می‌آورد، به آن اشاره کرد، به طوری که در اعداد تعداد مشخصی کاپیتان و سپس صدگان را به عنوان بخشی از آن عدد، برای نشان دادن جنگجویان خواهید داشت.

شکل متفاوت یا نوعی اصلاح شده از این نظریه توسط جان ونهام بیشتر مورد ه (خانواده یا قبایل ونهام بررسی قرار گرفت. او مقاله‌ای در بولتن تیندال با عنوان «اعداد بزرگ در عهد عتیق» نوشت. اگر به صفحه استناد ۴۲، پایین صفحه، نگاه کنید، چند پاراگراف از مقاله ونهام، در مورد «اعداد بزرگ عهد عتیق» وجود دارد و متوجه می‌شوید که با این جمله شروع می‌شود: «راه‌های مختلفی برای گرفتن *الف* وجود دارد بدون اینکه تعداد افراد به طور غیرممکن زیاد باشد. این می‌تواند یک واحد اجتماعی باشد - خانواده، قبیله، گروه چادر یا یک واحد نظامی... یا می‌تواند یک افسر یا یک جنگجوی آموزش دیده ویژه باشد.» و او تا حدودی با این ایده موافق است، من نمی‌خواهم همه اینها را بخوانم؛ بسیار پیچیده و مفصل

است. اگر به این موضوع علاقه دارید، شاید بخواید کل مقاله را تهیه کنید و در فرصتی آن را بخوانید. اما به قسمت میانی صفحه ۴۳ توجه کنید». دلایلی وجود دارد که فکر کنیم کاپیتان‌های هزاران نفر معمولاً یا ۸ *میوت* تحت فرمان خود داشته‌اند. به طور مشابه، قدرت واقعی یک *میوت متوسط* «- یعنی ۷ صد. او *میوت* را به عنوان یک واحد نظامی در نظر می‌گیرد - «قدرت واقعی یک *می‌آه متوسط* ممکن است حدود ۷۵ مرد بوده باشد. ۲۳۵ و نیم *می‌آه* از ۷۵ مرد، در مجموع حدود ۱۷۶۶۲ و نیم مرد می‌شود. این، همراه با ۵۸۰ // *الفیم*، نیروی جنگی کل کمی بیش از ۱۸۰۰۰ نفر را تشکیل می‌دهد». و سپس می‌گوید: «اگر این را دوباره دو برابر کنیم، تا زنان را هم در نظر بگیریم، برای کل مهاجرت رقمی حدود ۷۲۰۰۰ نفر به دست خواهیم آورد». این خلاصه حرف اوست. وقتی این کلمات را ترجمه می‌کند، برای جمعیت ۷۲۰۰۰ نفر را با ۱۸۰۰۰ مرد جنگجو به دست می‌آورد.

و (افکار وانوی - هیچ یک از این رویکردها قانع‌کننده نیستند و دشواری‌ها

بنابر این تلاش‌های مختلفی برای بررسی این اعداد انجام شده است. من فکر نمی‌کنم هیچ یک از پیشنهادات کاملاً قانع‌کننده باشند. هیچ یک از آنها با تمام داده‌ها مطابقت ندارند. آنها به ویژه با خلاصه‌ای که در متن می‌بینید، مطابقت ندارند. من فکر نمی‌کنم بسیاری از مشکلاتی که در مورد اعداد ذکر شده غیرقابل حل باشند، اگر چه تدارکات، به ویژه اینکه چگونه ۲.۵ میلیون نفر توانستند در تمام آن مدت در بیابان سینا زنده بمانند، حیرت‌انگیز است. البته، خدا به روش‌های معجزه‌آسا آنها را فراهم کرد. من فکر نمی‌کنم که این تعداد چیزی بوده باشد که نمی‌توانسته در زمان اقامت یوسف در مصر در خروج، در طول آن دوره ۴۰۰ ساله، به دست آمده باشد. آنها می‌توانستند تا آن حد تکثیر شوند.

به نظر من مشکل اینجاست، و فکر می‌کنم اینجا مشکلی وجود دارد، مربوط به آن متون کتاب مقدس است که ما بررسی کردیم، «هفت ملت بزرگتر و قدرتمندتر از شما». «و علاوه بر این، آنچه ما در مورد اندازه شهرها و جمعیت کنعان در زمان فتح می‌دانیم. اگر به اندازه شهرها نگاه کنید، مثلاً اریحا را انتخاب کنید، اولین شهری که آنها تصرف کردند. فکر می‌کنید اریحا چقدر بزرگ بود؟ کسی ایده‌ای دارد؟ یک تپه است و دیوارهای پی آن هنوز وجود دارد. ۷ هکتار است! به عبارت دیگر، شهری است تقریباً به اندازه پارکینگ این مدرسه. ما آن را شهر نمی‌نامیم! مسلماً آن شهر کوچکتری بود؛ حدود ۲۵۰۰ نفر در اریحا ساکن بودند. لاخلش ۱۸ هکتار؛ جبعون ۱۶ هکتار؛ مجدو ۱۳ هکتار؛ و عای ۲۷ هکتار بود. بنابراین شما در مورد شهرک‌های بسیار کوچکی صحبت می‌کنید. جمعیت اریحا حدود ۲۵۰۰ نفر بود.

به صفحه ۴۲ نقل قول خود نگاه کنید. رولند دوو، در کتاب «زندگی و نهادهای اسرائیل باستان»، می‌گوید: «شهرهای کتاب مقدس بزرگ نبودند. از کاوش‌ها، دیدن اینکه چقدر کوچک بودند،

شگفت‌انگیز است. اکثر آنها به راحتی می‌توانستند در میدان ترافالگار جا شوند و برخی به سختی حیاط گالری ملی را پر می‌کردند. سالنامه‌های تیگلاتیپلسر سوم فهرستی از شهرهای جلیل که در سال ۷۳۲ فتح شدند، ارائه می‌دهد. تعداد اسیران بین ۴۰۰ تا ۶۵۰ نفر متغیر است - و این پادشاه کل جمعیت را تبعید می‌کرد. آنها در آن زمان روستاهایی مانند روستاهای امروزی بودند و نه بزرگتر «پاراگراف بعدی، برای سامره و اورشلیم منابع اطلاعاتی دیگری موجود است. سارگون دوم می‌گوید که او ۲۷۲۹۰ نفر «را از سامره منتقل کرد «پاراگراف بعدی،» برای اورشلیم، ارقام تبعیدهای نیوکدنصر دشوار است... با یک تخمین معقول، در زمان پروردگار ما، این شهر حدود بیست و پنج یا سی هزار نفر جمعیت داشت. چند سال پیش، این فقط جمعیت شهر قدیمی درون دیوارها و تقریباً در همان فضا بود. جمعیت نمی‌توانست «در زمان عهد عتیق خیلی بیشتر باشد»

بنابراین این شهرها کوچک بودند. در نبرد بین رامسس دوم و هیتی‌ها، ما در مورد آن در رابطه با معاهدات هیتی و همچنین در رابطه با خروج و فرعون ستمگر صحبت کردیم، طبق گفته برستد، در کتاب «سوابق باستانی مصر»، ارتش‌های هیتی‌ها و مصری‌ها در نبرد رودخانه اورونتس حدود 20,000 نفر بودند. خب، حالا، اگر ارتش‌های هیتی‌ها و مصری‌ها 20,000 نفر بودند، آیا ارتش اسرائیل 20,000 نفر بود؟ 600,000 نفر بود؟

علاوه بر این، اگر به خروج ۱۸ برگردید، جایی که به یاد دارید یثرون به موسی توصیه کرد که داورانی را برای هزاران، صدها، پنجاه‌ها و ده‌ها نفر تشکیل دهد، اگر اسرائیل ۲ میلیون نفر جمعیت داشته باشد، حداقل ۶۰۰۰۰۰ مرد برای ۲ میلیون نفر خواهد بود. به آنچه یثرون به موسی گفت فکر کنید. اگر او این کار را همانطور که گفته شده انجام داد، باید ۲۰۰۰ حاکم برای هزاران نفر؛ ۲۰۰۰ حاکم برای صدها نفر؛ ۴۰۰۰ حاکم برای پنجاه نفر؛ و ۲۰۰۰ حاکم برای ده نفر منصوب می‌کرد. بنابراین او ۲۶۲۰۰۰ نفر را منصوب می‌کرد. پس فکر می‌کنید، موسی قبل از اینکه این افراد را منصوب کند، خودش تمام این کارها را انجام می‌داد. این فقط تلاشی از خروج ۱۸ است، برای تدوین سیستمی که در آنجا از آن صحبت می‌شود، بر اساس جمعیت ۲ میلیون نفر.

آدم از خودش می‌پرسد: «آیا چیزی در این ارقام سرشماری وجود دارد که ما نمی‌فهمیم؟» اینجاست که من تمایل دارم به این موضوع بپردازم. یک عبارت لاتین به نام «غیرقابل تأمل» وجود دارد، چیزی که نمی‌توانید در مورد آن صحبت کنید، زیرا شواهد کافی برای نتیجه‌گیری قطعی ندارید. فکر می‌کنم باید روی این اعداد سرشماری کار بیشتری انجام شود. اما مهم‌تر از کار بیشتر، فکر می‌کنم باید نور بیشتری به آنچه در این اعداد می‌گذرد تابانده شود. فکر نمی‌کنم روش‌های پیشنهادی فعلی برای برخورد با متن کافی باشند.

نتیجه‌گیری: اعداد را تا زمانی که کار بیشتری انجام شود، ناشناخته بگذاریم

اگر به صفحه ۴۱ نگاه کنید، یک پاراگراف از آر.کی. هریسون، در انتهای صفحه، وجود دارد. ... قدیمی عهدنامه اعداد است قادر به حساب به او می‌گوید: «هیچ‌کدام» از اینها تلاش‌ها به مقیاس پایین ... پیشنهادات ساخته شده نمی‌تواند باش ... داده‌ها درگیر، و از این رو طور رضایت بخش برای همه گرفته شده به عنوان به طور یکنواخت معتبر برای اهداف از تفسیر. اگر دیگر شواهد از نزدیک شرقی ... منابع مربوط به اعداد به طور کلی است از هر ارزش در این اتصال، آن خواهد بود دلالت کردن که قدیمی عهدنامه عددی محاسبات «اصل مطلب این است، «بقیه» بر برخی اساس از واقعیت که بود ... باستانیان، اما که است ناشناخته به مدرن» دانشمندان. «فکر می‌کنم احتمالاً اینجا همین کاملاً آشنا به اتفاق می‌افتد.

فکر می‌کنم هر چه متن می‌گوید، قابل اعتماد است. مطمئن نیستم که ما زبان آنجا را به درستی بفهمیم. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که آن //ف تا این لحظه از اهمیت نظامی برخوردار است، به عنوان فرمانده واحدهای نظامی یا چیزی شبیه به آن، نه یک معادل عددی صرف برای هزاران یا صدها نفر. فکر می‌کنم چیزی در حال وقوع است که ما به طور کامل آن را درک نمی‌کنیم. با این اوصاف، گفتن اینکه تعداد آنها چقدر است بسیار دشوار است. همین کافی بود که مصر را نگران می‌کرد که آنها برای کنترل بیش از حد بزرگ می‌شوند. اما از سوی دیگر، غیرمنطقی به نظر می‌رسد که فکر کنیم ارتش اسرائیل ۶۰۰۰۰۰ نفر بود در حالی که مصر تنها ۲۰۰۰۰ نفر ارتش داشت. بنابراین متن قابل اعتماد است، اما چیزی در اینجا در حال وقوع است که از دیدگاه مدرن نسبتاً محدود ما به خوبی درک نمی‌شود.

رونویسی توسط هیئون لیم  
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت  
ویرایش نهایی توسط کیتی الز  
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت